



بررسی ارزش‌یابی توصیفی در گفت‌وگو با دکتر محمدعلی فیاض‌بخش
استاد دانشگاه علامه طباطبایی

اصل معلم است...

مهدی اکبریان دست‌چردی

اشاره

محمدعلی فیاض‌بخش، پس از سال‌ها فعالیت در امور گوناگون آموزشی، به‌ویژه حضور پرثمر در مجموعه‌ی «مدارس علوی» با قریب به ۲۰ سال سابقه‌ی مدیریت در مدرسه‌ی راهنمایی نیک‌پرور، اکنون مدتی است که پس از اخذ دکترا، در دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه‌ی طباطبایی تهران به تدریس مشغول است.

کلاس‌های وی به دلیل دارا بودن تجربه‌های فراوان و مثال‌های ملموسی که در حین تدریس ارائه می‌دهد، با استقبال بسیار خوب دانشجویان روبه‌رو شده است. در زمینه‌ی چگونگی اجرای ارزش‌یابی توصیفی، با وی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در پی می‌آوریم.

به مرور باید جای خود را به ارزش‌یابی کیفی یا همان توصیفی بدهد. الان در بسیاری از کشورهای پیشرفته که دبستان‌هایشان تا چهار کلاس ابتدای آموزش را دربرمی‌گیرد و نیز در اغلب کشورهای اروپایی که مدارسشان از کلاس پنجم به بعد با عنوان دبیرستان نام‌گذاری می‌شوند، ما شاهدیم که تا کلاس چهارم، ارزش‌یابی‌ها به صورت کیفی و توصیفی است و براساس عواملی که مشخص شده است، معلم‌ها چک‌لیست (فهرست‌وارسی) توانایی بچه‌ها را در ستون‌های مثلاً سه‌گانه یا چهارگانه مشخص می‌کنند. به نظر می‌رسد که این وضعیت، موقعیتی است که هم در دنیا تجربه‌ی موفق ثبت شده دارد و هم مناسب سنین کم تحصیلی و دارای کاربری تحصیلی در سه چهار

■ شما در مقام یک کارشناس آموزشی، معتقد به کدام نوع از ارزش‌یابی هستید؟ کمی یا تأکید بر نمره یا ارزش‌یابی توصیفی؟ چرا؟ لطفاً دلایلتان را ذکر کنید.

□ در زمینه‌ی ارزش‌یابی، اول باید دوره‌ی تحصیلی مدنظرتان را مشخص کنید.

■ منظور دوره‌ی ابتدایی است؛ با نگاهی که می‌خواهیم به چگونگی اجرای ارزش‌یابی توصیفی در سه پایه‌ی اول تا سوم این دوره در چند سال گذشته داشته باشیم.

□ دوره‌ی ابتدایی پنج‌ساله‌ی فعلی تاکنون با نظام ارزش‌یابی مبتنی بر کمیت و نمره اداره شده است، ولی ما معتقدیم که ارزش‌یابی نمره‌ای

سال اول ابتدایی است.

■ به نظر شما برای این که ارزش‌یابی توصیفی را انجام دهیم، باید چه تغییراتی را در محتوای کتاب‌ها و مهارت‌های معلم‌ها به وجود بیاوریم؟

□ به نظر من پیش از این که این مسئله، وابسته به محتوای کتاب باشد، به مهارت معلم بستگی دارد. محتوای کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی الان چندان مشکلی

ندارند.

■ حجمشان زیاد نیست؟

□ این‌ها بحث‌هایی

است که به اجراییات کار

برمی‌گردد و به تقویم

زمانی آموزش. فرض ما بر

این است که حجم از یک

نقطه‌ی بهینه برخوردار

است و محتوا هم، محتوای

کارشناسی شده است. اما

همین محتوای درست و

با زمان‌بندی درست، اگر

دست معلم غیرماهر بیفتد،

درگیر مشکلاتی می‌شود

که اولین آن نیز همین

اختلال در ارزش‌یابی است.

یعنی معلم وقتی نمی‌تواند

طبقات گوناگون بچه‌ها

را لااقل از نظر قوی،

متوسط، ضعیف و غیرقابل

قبول بودن طبقه‌بندی کند

و تشخیص دهد، مشکل

شروع می‌شود. بنابراین

دوره‌های آموزشی مرتبط با ارزش‌یابی توصیفی در قدم اول برای

معلم‌ها، باید حول شناسایی و تشخیص چک‌لیست (فهرست‌وارسی)‌های

معین و نیز شناسایی طبقات گوناگون بچه‌ها برگزار شود نیز پیش از

این باید کارنامه‌ی سنتی را به کارنامه‌ی توصیفی تبدیل کنیم.

■ چگونه می‌توان معلمان، دانش‌آموزان و والدین را برای

اجرای این طرح توجیه کرد؟ چگونه می‌توانیم افراد دخیل

در کار را با خودمان همراه کنیم؟ بسیاری از معلمان،

سال‌هاست که به روش کمی ارزش‌یابی عادت کرده‌اند و حتی

برخی معتقدند یکی از روش‌های اعمال اقتدار معلم، همین

نمره‌دادن است. چگونه می‌توان نگرش آنان را عوض کرد

تا هم نگرششان توصیفی باشد، هم عملشان؟

□ سؤال کاملاً به جایی است؛ از این جهت که اهمیت بعد فرهنگی

این کار آموزشی را نشان می‌دهد. هر اقدامی، مجموعه‌ای رفتارهای

اجرایی معین و عملیاتی دارد، اما بستر و زمینه‌ساز، بلکه پیش‌درآمد

هر عمل اجرایی، آن فضای فرهنگی است که طرح باید در آن اجرا

شود و پرسش شما برمی‌گردد به فضای فرهنگی که کاملاً سؤال به

جایی است.

مطمئناً اجرای طرح ارزش‌یابی توصیفی، در وهله‌ی اول و در

بیشترین حجم خود، یک قضیه‌ی مدیریتی است؛ یعنی ایجاد فرهنگ

تغییر کار مدیریت. و طبیعی است که در چارچوب رفتارهای مدیریتی

جای می‌گیرد. به‌طور قطع، آموزش و پرورش باید در سطوح بالاتر، از

طریق کارگزاری افراد نخبه و متخصص، مدیران واحدهای آموزشی

را به چنین تغییری قانع کند و به آن‌ها اطمینان دهد که وضع جدید

نه تنها از گذشته بدتر نمی‌شود، بلکه بهتر هم خواهد شد. مثلاً همین

که وجوه انگیزش در بچه‌ها توسعه می‌یابد، رفتارهای تحقیرآمیز که از

محل معدل‌های عددی مطلق و میلی‌متری بین بچه‌ها ایجاد می‌شود،

کاهش پیدا می‌کند و موقعیت والدین با فرزندان از نظر رسیدگی‌های

درسی از حالت نمره‌ای به حالت کیفی و وقت‌گذاری‌های بیشتر ارتقا

می‌یابد، همه و همه از محاسن اجرای این طرح هستند. پس در وهله‌ی

اول، توصیه‌ی مدیران واحدهای آموزشی در سطح مناطق آموزشی و

بعد توجیه معلمان توسط مدیران هر واحد ضروری است. بدین ترتیب

مرحله‌ی بعد، توجیه و تغییر نگرش خانواده‌ها توسط معلمان هر پایه یا

توسط مدیر در مجموعه‌ی مدرسه خواهد بود. به نظرم توجه به ایجاد

فرهنگ تغییر در اجرای ارزش‌یابی توصیفی، بسیار اساسی و کلیدی

است.

■ عده‌ای معتقدند که با اجرای طرح ارزش‌یابی توصیفی،

وقت معلم‌ها زیاد گرفته می‌شود. با این مشکل چگونه

برخورد کنیم؟

□ بله. اگر با نگاه رایج به مقوله‌ی ارزش‌یابی نگاه کنیم، همین‌طور

است که شما می‌گویید. یعنی اگر کل روند ارزش‌یابی و کارهایی را که

بابت آن انجام می‌شود، به پایان یک ترم یا فرایند آموزشی مؤکول کنیم،

شاید به نظر برسد وقت کمی از معلم گرفته شود، ولی در ارزش‌یابی

توصیفی، به‌ویژه برای آماده‌سازی کارنامه‌های توصیفی، قرار بر این کار

نیست، بلکه قرار بر جدیت بیشتر و اهمیت دادن بیشتر به ارزش‌یابی‌های

تکوینی است. مراد از ارزش‌یابی‌های تکوینی، ارزش‌یابی‌هایی است که

حتی از این جلسه تا جلسه‌ی آینده می‌تواند صورت بگیرد؛ حالا یا در

جهت نشان دادن بهبود وضع دانش‌آموز یا برعکس. اما نکته‌ی مهم

این است که ارزش‌یابی توصیفی، یک کار مستمر و تکوینی است

و همان‌گونه که از نامش برمی‌آید، در طول زمان شکل می‌گیرد و

نمی‌تواند به صورت خلق‌الساعه و دفعی باشد. وقتی که این کار تقسیم

می‌شود، در طول یک دوره‌ی آموزشی (یعنی در طول چهار ماه و





● پرورش مهارت کلامی دانش آموزان

به کارنامه‌ی توصیفی و حمایت ما از کارنامه‌ی توصیفی، این است که از یک جنبه‌نگری در یک توانایی کودک، به چند جنبه‌نگری برسید. در ریاضیات هم، همین مسئله مطرح است. ممکن است در ریاضیات، بچه‌های دبستان بر حفظیات بیشتر تأکید کنند و مجموعه‌ای مسئله را طوطی‌وار حفظ کنند

و سر جلسه‌ی امتحان هم نمره‌ای بیاورند. اما فهم جامع را معلم از صحبت رودررو با دانش‌آموز، از این که جلوی چشمش مسئله را حل کند، تندی‌ها، کندی‌ها، نحوه‌ی استدلال و نحوه‌ی راه‌حل‌ها و... به دست می‌آورد و ارزش‌یابی می‌کند. مثلاً می‌گوید: «قدرت تحلیل این دانش‌آموز بالاست، اما حافظه‌ی خوبی ندارد یا در ابتکار به خرج دادن در خلق راه‌حل‌های جدید مبتکر است، اما بچه‌ی تندی نیست، یعنی دانش‌آموز سریع‌الابتکاری نیست. این‌ها توانایی‌های گوناگونی است که بچه‌ها می‌توانند از خود بروز دهند، ولی وقتی همه‌ی این توانمندی‌ها در یک نمره‌ی خشک و خالی جمع می‌شود، تمام این ابعاد از بین می‌روند.

■ شما برای اجرا شدن بهتر ارزش‌یابی توصیفی چه پیشنهادی دارید؟

□ الان برخی از مدرسه‌های غیردولتی پیشرفته، چندین سال است که این طرح را اجرا می‌کنند. لاقلاً تا جایی که من اطلاع دارم، تا پایه‌ی سوم ابتدایی، این طرح در برخی از مدرسه‌های غیردولتی مطرح شده و امتحان خود را به خوبی پس داده است. پیشنهاد من این است، افرادی که واقعاً طالب این طرح و دنبال بهبود کیفی کارها هستند، از این مدارس نام و نشانی بگیرند و اطلاعاتی به دست بیاورند. به عبارت دیگر، لازم است از تجربه‌های انجام شده‌ی این مدارس، نهایت استفاده را ببرند. چالش‌هایی را که در طول اجرای این برنامه، معلمان این قبیل مدارس سال‌ها و پیش از اجرای سراسری در مدارس دولتی با آن‌ها روبرو بوده‌اند، به عنوان تجربه، بازخوانی و بازشنوایی کنند و برای شروع این کار، از حمایت‌ها و هدایت‌های مدارس که این تجربه را از سر گذرانده‌اند، بهره بگیرند. مطمئناً این کار، خسارت‌های کمتری را در پی خواهد داشت، چرا که تجربه‌های دیگران، دست‌مایه‌ی بهبود اوضاع خواهد بود.

■ از حضور شما در این گفت‌وگو سپاس گزاریم.

نیم که یک نیم‌سال تحصیلی است)، جزو وظایف و تکالیف روزانه‌ی کلاسی معلم درمی‌آید و به نظر من، نه وقت زیادی از او می‌گیرد، و نه سنگینی خواهد داشت. البته اگر در مقایسه با کار امتحانات پایانی و نمره‌ی کتبی پایانی هر ترم، به این کار نگاه کنید، بله این حجم کار اصلاً با آن قابل مقایسه نیست؛ یعنی به مراتب انبوه‌تر است. اما اگر آن را به عنوان یک تکلیف معلمی در طول کار تدریس در نظر بگیرید، این جزو وظایف معلم است و قطعاً باید به آن نگاه جدی شود.

■ به نظر پوفام که یک متخصص آموزشی است، وقتی نظام نمره‌گذاری تغییر کند، در آن ارتباطها و امتیازهای اجتماعی بیشتر از قبل تأثیرگذار می‌شوند. به نظر شما با این مشکل چگونه برخورد کنیم؟

□ ما نمی‌توانیم الان حکم کنیم که امتیازات بیشتر می‌شود یا کمتر. بسته به این است که شما امتیاز را چه ببینید. برای مثال، در کارنامه‌ی توصیفی دانش‌آموزی گفته می‌شود: «این بچه دارای توانایی کلامی بالاست.» حال آن که اگر فقط به نمره‌ی دیکته یا قرائت فارسی با حفظ لغت او نگاه می‌کردید، معلوم نبود که مثلاً نمره‌ی برجسته‌ای را نشان دهد. این، از یک جهت می‌تواند موجب برجستگی اجتماعی او شود که به خودی خود نه تنها بد نیست، بلکه یک امتیاز پیش برنده است. به این معنا که از این به بعد، این دانش‌آموز به جای این که فقط با کارنامه‌اش سنجیده شود، با توانایی‌های عملکردی‌اش سنجیده می‌شود که این موجب رشد وی در جهات گوناگون از جمله همین رفع نقایص نمره‌اش خواهد شد. قاعدتاً از بچه‌ای که در توصیف آموزش‌گزار از او با ذکر دارای توانایی کلامی بالا یاد شده است، باید در دکلمه‌خوانی در مدرسه، در رهبری گروه سرود، در نوشتن انشاها و یا نوشته‌هایی که در مناسبت‌های خاص باید از سوی بچه‌ها خوانده یا نوشته شود، استفاده شود. این برجستگی اتفاقاً مثبت ارزیابی می‌شود.

■ در نظام نمره‌گذاری، نمره بهترین ملاک برای ارتقای دانش‌آموزان و هدایت تحصیلی‌شان بود. الان با حذف نظام نمره‌گذاری، برای هدایت تحصیلی چه کاری باید انجام دهیم؟

□ چون فرض ما بر این بود که نظام نمره‌گذاری کمی، یک نظام تک‌بعدی و یک جنبه‌نگر بود، بنابراین به سوی نظام ارزش‌یابی توصیفی و کمی رفتیم. در نظام کیفی، به جای این که به یک دانش‌آموز، نمره‌ای را بدهید، مثل همان موردی که گفته شد، دیگر نمی‌گویید دیکته‌اش ۱۴ است، می‌گویید خزانه‌ی واژگانش متوسط است، نوشتنش از روی همان خزانه‌ی واژگان با دقت و تمرکز است، هر چند که خزانه‌ی واژگانش اندک است، روخوانی‌اش خوب است. در مجموع شما به او توصیه می‌کنید که به جای این که بیشتر وقت خود را صرف نوشتن و دیکته‌نویسی کند، مثلاً به افزودن خزانه‌ی واژگان و یا خواندن کتاب‌هایی که خزانه‌ی واژگان را تقویت می‌کند، اقدام کند. و بعد با تشویق، روخوانی یک مجموعه‌ای را در او تقویت می‌کنید. از قضا رویکرد ما